

## هیراث اسلامی

### در کتابخانه اسکوریال

ترجمه محمدعلی تبریزیان

سرآمدان فرهنگی دربار پایه گذاری شد. پیشنهاد آنان برای بنای کتابخانه‌ای وسیع و شکوهمند، به سبب برتری جویی فرهنگی بود؛ بنایی فرهنگی، که شانه به شانه کتابخانه ایتیکان در رم باشد. در میان برگزیدگان دربار، مورخ سرشناس، دی‌مورالیس حضور داشت، که بعدها تاریخ فیلیپ دوم را نوشت. او به پادشاه توصیه کرد برای برپایی کتابخانه‌ای مزین و متمایز، نسخه‌های خطی بیش از کتاب‌های چاپی باشد. از این رو، فیلیپ دوم به پیروی از نظر دی‌مورالیس و پدرش (شارل)، به گردآوری کتاب‌های خطی همت گماشت و کتابخانه را وسعت بخشید. او به دست‌نشانندگان خویش فرمان داد تا کتابخانه‌هایی نظیر اسکوریال، در همه جای ایتالیا بنا نهند و به سفیران خود دستور داد تا نسخ خطی را بجویند و در جمع‌آوری آن‌ها بکوشند و صاحبان کتاب‌های خطی را با هدایایی نفیس، خشنود سازند. بدین سان، روز به روز بر پرمایگی کتابخانه افزوده می‌شد و خزانه اسکوریال از داشتن آثار خطی به خود می‌بالید. پادشاه در سال ۱۶۱۶ میلادی فرمانی دیگر برای برپا کردن کتابخانه صادر کرد. به موجب این دستور شاهانه، نویسندگانی که در پهنه فرمانروایی وی می‌زیستند، می‌بایست کتاب‌های شخصی‌شان را به کتابخانه تحویل می‌دادند. این فرمان فرهنگی، که برای نگاه‌داشت آثار خطی صادر شد، بر شمار کتاب‌های خطی به زبان‌های عربی، لاتین و عبری افزود؛ به گونه‌ای که امروز

در دامنه تپه سنگی، در جوار سلسله کوه‌های سیبری گوادیراما، بنایی با معماری درخشان به چشم می‌آید. این ساختمان، که در چشم تماشاگر عجیب می‌نماید، پس از گذشت ۲۱ سال آماده بهره برداری دستداران کتاب و دانش شد. سازنده آن، فیلیپ دوم، فرزند شارل پنجم است، که در نیمه دوم سده شانزدهم کتابخانه را بنیان نهاد. فاصله بنا تا پایتخت اسپانیا پنجاه کیلومتر است.

نکته دیگری که نباید از یاد برد، معماری این بنای تاریخی - فرهنگی است. ساختمان، هفت برج و گرداگرد آن، دوازده هزار در و پنجره دارد. ۸۹ فواره بر زیبایی آن افزوده و ۸۶ پله، راه گشا به دیگر قسمت‌های کتابخانه است. عرض ستون‌های مربعی شکل ساختمان، هشت متر در هر ضلع است. روی هر کدام، ناقوسی نهاده شده، و بر فراز بنا، گنبد کلیسا پیداست. در میانه ساختمان، سالن اصلی قرار دارد. سقف منحنی راهرو، از نقاشی‌های نظرگیر و رنگارنگ برخوردار است. راهرو به هفت بخش منتهی می‌شود، که هر کدام به رشته‌ای از علوم اختصاص یافته است.

فیلیپ دوم، مسیحی بود و مردی متعصب و قاطع. یگانه میراث ماندگار وی، کتابخانه اسکوریال است، که به پیشنهاد

سرآمد دیگر کتابخانه‌های جهان است و عالی‌ترین فرآورده فرهنگی را با خود دارد.

براولیوکوستیل، در دهه هفتاد، مدیر اسکوریال بود. وی در کتاب خویش، درباره این کتابخانه چنین نوشته است: پس از آتش سوزی در سال ۱۶۷۱ میلادی، تنها ۴۵ هزار کتاب چاپی و پنج هزار نسخه خطی، به یادگار ماند. از این شمار، ۱۸۷۰ نسخه عربی، ۱۴۰۰ نسخه لاتینی و ۸۰۰ نسخه اسپانیایی است. شعله‌های آتش، ۴ هزار نسخه خطی و تعداد بسیاری تابلوهای هنری را به خاکستر بدل ساخت. این همه، در دوران حکمرانی فیلیپ دوم، اهدا شده بود. همچنین در پی فزون‌خواهی و جنگ‌طلبی ناپلئون، ۲۰ نسخه خطی و حدود ۱۶۰۰ کتاب چاپی ناپدیدگشت و برخی آثار، به مرور در گذر روزگار گم شد.

شهرت اسکوریال به سبب نسخه‌های اسلامی است، که گنجینه کتابخانه به شمار می‌آید. طبق برآورد مرحوم محمد عبدالله عنان، حدود دو هزار مجله از نسخه‌های اسلامی در آن وجود دارد. اهمیت این نسخه‌ها بیشتر به سبب تاریخ و نوع آن است چراکه نمادی از میراث و اندیشه اندلس و مراکش (مغرب) و تاریخ آن است؛ تاریخی که ریشه در سده‌های پیشین دارد. این مجموعه از نسخه‌های اسلامی، دچار سرنوشتی غم‌انگیز شد. گرانادا یکی از شهرهای مملکت اسلامی بود و از کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و بی‌نظیر این شهر، که در بستر فرهنگ آرمیده، می‌توان از مورسیا، مالاگا، روندا، آلباسته و کاریز نام برد. در پی لشکر کشی دو پادشاه اسپانیایی در سال ۱۴۹۲ (فرناند و ایزابیک) بسیاری از کتاب‌های اندلس، هنگام سقوط سایر پایگاه‌های اندلس، به گرانادا منتقل شد. از این رو، گرانادا را می‌باید آخرین جایگاه برای کتاب‌ها و نسخه‌های خطی دانست، که در نگاه‌داشت فرآورده‌های فرهنگی همت گماشت.

پس از پیروزی جنگ‌ورزان، سیاست‌سازان صاحبان قدرت - که بر اسپانیا سلطه یافتند - نابودی منابع مادی و تباهی گنجینه‌های فرهنگی مسلمانان بود. بدین سان، کتاب‌های اسلامی در اولویت قرار گرفت و سرانجام انبوهی از کتب و نسخ گردآوری و به آتش کشیده شد. چندی نگذشت که

در آرای حاکمان دگرگونی پدیدار شد و با رویکردی نو به فرهنگ، شیوه تازه‌ای را در پیش گرفتند. آنان همت ورزیدند تا این میراث جاودان را از گرانادا و دیگر شهرهای اندلس گرد آورند و به کتابخانه پادشاهی و سپس به کاخ اسکوریال منتقل سازند. از رهگذر واقع نگری، بار دیگر آثار گران سنگ فرهنگی، نجات یافت تا یادآور روزگار پیشین باشد.

برخی مورخان و محققان - که از پژوهندگان تاریخ مغرب و اندلس‌اند - حکایت‌گر غارت‌گران دریایی‌اند. آنان از غارت کتابخانه سلطان زیدان بن احمد منصور سخن می‌گویند. سلطان زیدان پس از درگذشت پدر برکرسی قدرت تکیه زد (۱۰۱۲ تا ۱۰۳۷ ق برابر با ۱۶۰۳ تا ۱۶۲۸ م). اما همواره با برادران خویش، که دوست‌دار قدرت بودند، در جنگ و گریز بود. در یکی از این رخ‌دادهای جنگ‌افروزانه، برادران او جامعه را به شورش فرا خواندند و آشوب به پا کردند. سلطان ناگزیر شد پایتخت را رها کند و به بندر آسفییر برود.

کشتی فرانسوی در اسکله پهلو گرفته بود و سلطان که دل در گرو کتابخانه و لوازم شخصی‌اش بسته بود، از ناخدای کشتی کنسول فرانسه خواست او را به منطقه آگادیر، در جنوبی‌ترین نقطه مراکش برساند. وی برای این درخواست، سه هزار درهم پیشنهاد کرد، اما ناخدا راضی نشد. از این رو، اندیشه غارت‌داری سلطان را عملی ساخت و کشتی را به سمت مارسین هدایت کرد. در راه فرار، در بندر سلا، که در محدوده مغرب بود، با چهار کشتی اسپانیایی رو به رو شد؛ به ناچار تسلیم گشت و آنان محموله کشتی را به یغما بردند. بدین سان، دولت‌مردان اسپانیا که دل‌نگران اسیران بودند، مبادله کتابخانه سلطان با اسیران را به مسلمانان پیشنهاد کردند، اما حاصلی در پی نداشت و سه هزار نسخه خطی به اسکوریال منتقل شد. این مجموعه ارزشمند، که برای محققان، گنجینه‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، در زمینه علوم دینی، ادبیات و فلسفه است.

دانست. نگارش وی در این فهرست‌نویسی، به روش یوسف سمعان سمعانی است. سمعانی این فهرست را برای کتابخانه واتیکان فراهم آورده بود، که در زمانی دیگر، به کتابخانه بیبلوآورینتالیس یا کتابخانه شرق‌شناسی تغییر نام یافت.

شیوه نگارش غزیری در فهرست‌نویسی، اقتباس بود، تا به این وسیله بتواند اهمیت نسخه‌های خطی را نشان دهد. او نام جلد نخست فهرستش را «المکتبه العربیه الاسبانیه فی الاسکوریا» نهاد و در سال ۱۷۶۰ میلادی آن را به زبان لاتین منتشر کرد. وی در این اثر، علوم و فنون گوناگون را به چندین بخش تقسیم کرد. نخستین بخش، نحو بود. اولین نسخه آن کتاب، اصول نحو سیویه بود با شماره ثبت هشت. سپس کتاب را به زبان لاتین وصف کرد و نام کتاب و نگارنده را در پایان هر صفحه، به زبان عربی ذکر نمود. بخش‌های دیگر نیز درباره بلاغت و شعر بود.

وی پس از گذشت یک دهه، بخش دوم فهرستش را منتشر کرد، که آغازین فصل آن درباره جغرافیا بود. این فهرست در زمان شاه سلیمان علوی (۱۷۹۳-۱۷۲۳ م) به پیشنهاد وزیر و ادیب مراکشی، محمدبن عبدالسلام پدید آمد. تنها یک نسخه از این اثر به یادگار مانده، که در خزانه حسینه رباط مغرب، به شماره ۶۷۷۲ محفوظ است. نگارش کتاب در ۲۳ مارس ۱۸۱۱ میلادی پایان پذیرفته و در آغاز این نسخه چنین نوشته شده است: «هذه جماعة من الکنائش (الدفاتر) التي اجتمعت فی هذا الکتاب، نسخت بأمر الفقیه الشهير وزیر المقام الشریف العلی بالله السید محمدبن عبدالسلام السلوی، و فقه الله، فلاشی، ازداد ولا نقص علی ما کان کتب فی السفرین اللذین طبعهما بمدریه النهرانی دون میکیل کاسیری...».

فهرست غزیری، از زمان نشر تاکنون، تنها مرجع کارآمد برای معرفی نسخه‌های عربی اسلامی اسکوریا به شمار می‌آید. این مرجع به خصوص برای آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی ارزنده است؛ چرا که چگونگی پیدایش نظم و زایش ترتیب، و شیوه اراده سیاسی و اقتصادی مسلمانان را نشان می‌دهد.

کوشش‌های بی‌امانی، برای سامان بخشیدن به نسخه‌ها و دسته‌بندی این کتابخانه صورت گرفت. از جمله این تلاش‌ها، برشور دیگودی اوریاست. وی پس از مرگ فیلیپ دوم همت ورزید و فهرست این مجموعه را مهیا ساخت. پس از گذشت دو سال، فهرست‌نویسی آن به پایان رسید. در همین باب، شرق شناس اسکاتلندی، دیفیه کولفیل، به سال ۱۶۲۶ میلادی عهده‌دار بررسی نسخه‌های عربی - اسلامی کتابخانه اسکوریا شد و کار این مجموعه را آغاز کرد. و از این میان، به مجموعه «اهور تا دودی میندوتا» توجه ویژه‌ای نمود. سپس فهرستی برای آن پدید آورد و گزارشی جامع برای آن به زبان لاتین نوشت. هنگامی که این گزارش به کتابخانه سلطان زیدان راه می‌یابد، دیگر گزارش پیشین نیست. این کتابخانه در پی افت و خیز بسیار زمانه، از پرباری و پربرگی محروم می‌ماند، و تنها نشان از عنوان و محتوای هر نسخه دارد، که در بخش زیرین هر نسخه آمده است.

در سال ۱۷۴۸ میلادی کشیش لبنانی، میخائیل غزیری (CASIRI) در پی دعوت رسمی دولت اسپانیا به این دیار آمد. او به ترجمه زبان‌های شرقی برای پادشاه پرداخت. کار وی در مادرید، در دو بخش متمرکز شد: کار در آکادمی پادشاه و کتابخانه او. به سبب مهارت فراوان و آشنایی کافی میخائیل غزیری با واژگان شرقی، به خصوص زبان عربی، این مسئولیت بر عهده وی گذاشته شد. سرانجام در سال ۱۷۴۹ میلادی، وی به حکم پادشاه، مدیر کتابخانه اسکوریا گشت. از آن پس محوری‌ترین کار او برای پادشاه، تهیه گزارش از نسخه‌های خطی بود، و هر آنچه با کتاب و کتابخانه ارتباط داشت.

غزیری در سال ۱۷۵۳ میلادی به مادرید بازگشت. مأموریت فرهنگی وی، در نظر اسپانیایی‌ها ستایش‌انگیز بود، و بستری در آن دیار پدید آمد، که برخی بنیان‌های شرق‌شناسی پایه‌گذاری شود و رونق یابد. مهم‌ترین کار وی را می‌باید فهرست‌نویسی مجموعه عربی کتابخانه اسکوریا